

## شهید محمد مهدی یزدان پناه



|             |               |
|-------------|---------------|
| نام پدر     | محمد ابراهيم  |
| تاريخ تولد  | ۱۳۴۳/۶/۱      |
| محل تولد    | بوشهر - دالکی |
| تاريخ شهادت | ۱۳۶۲/۵/۱      |
| محل شهادت   | حاج عمران     |
| مسئولیت     | رزمنده        |
| نوع عضویت   |               |
| شغل         |               |
| تحصیلات     |               |
| مدفن        | دالکی         |

## زندگینامه

### زندگینامه شهید

شهید محمد مهدی یزدان پناه فرزند ابراهیم در سال ۱۳۴۲ خورشیدی در دالکی و در خانواده ای متعصب و مذهبی دیده به جهان گشود. در سن ۶ سالگی به مدرسه رفت و تحصیلات دوران ابتدایی و راهنمایی را در مدارس دالکی با موفقیت سپری کرد. از آن جایی که در خانواده ای مسلمان و متعهد به دین اسلام تولد یافته بود لذا پدر و مادرش نماز و روزه و همچنین سایر آداب اسلامی را از همان کودکی به او آموخته بودند. آغاز دوره دبیرستان او در سال ۱۳۵۷ همزمان با اوج گیری نهضت اسلامی به رهبری زعیم عالی قدر حضرت امام خمینی(ره) بود که او نیز بسان دیگر پیروان و سربازان صدیق رهبر، فرمان امام را مبنی بر تعطیلی مدارس و حضور در صحنه های انقلاب به جان و دل خرید و با رها ساختن مدرسه به همراه سایر دانش آموزان به وظیفه اسلامی و انقلابی خود جامه عمل پوشانید. محمد مهدی در بحبوحه مبارزات بی امان مردم به پا خاسته ایران علیه رژیم ستم شاهی در مراسم راهپیمایی و تظاهرات و دیگر محافل سیاسی و مذهبی که به منظور سرنگونی طاغوت زمان صورت می گرفت شرکت فعال داشت تا این که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و صدور فرمان بازگشایی مدارس از جانب رهبر به سنگر مدرسه بازگشت و به ادامه تحصیل پرداخت. او از هوش و استعداد خاصی برخوردار بود و در دوران تحصیل خود همیشه ساده زیستن و ساده پوشیدن را دوست می داشت. وی در ایام تابستان با وجود گرمای طاقت فرسای منطقه به کارگری می پرداخت و قسمتی از دسترنج ناچیز خویش را به طور محرمانه بین مستمندان تقسیم می کرد. تا این که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران آغاز شد و او در این زمان مشغول تحصیل بود. اما روح پراتهابش او را رنج می داد که چرا برادرانش در سرحدات و در سنگرهای دفاع از اسلام و میادین نبرد بجنگند ولی او کنار آنان نباشد.

علیهذا روزها در سنگر مدرسه به تحصیل اشتغال داشت و شب ها در سنگر بسیج مستضعفین جهت حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی سلاح به دوش می گرفت و نگهبانی می داد. مهدی در خرداد ماه سال ۱۳۶۱ در دبیرستان مفتاح دالکی موفق به اخذ مدرک دیپلم شد و در کنکور دانشکده افسری نیروی زمینی قبول شد. جهت ورود به آموزشگاه و طی نمودن دوره آموزشی در اواخر مهرماه سال ۱۳۶۱ به تهران رفت و از آنجایی که در کنکور ورودی تربیت معلم نیز قبول شد. و علاقه زیادی به شغل معلمی داشت جهت خدمت به روستائیان عزیز از ارتش استعفا داده و برای تحصیل در مرکز تربیت معلم به بوشهر رفت پس از گذشت اولین سال تحصیلی در تربیت معلم و اخذ مدرک قبولی جهت عزیمت به جبهه به واحد پذیرش بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برازجان مراجعه و ثبت نام نمود و در مورخه ۲۷/۴/۱۳۶۲ مشتاقانه به سوی جبهه رزمندگان اسلام شتافت. سرانجام در عملیات ظفرمندانه والفجر ۲ در تاریخ ۱/۵/۱۳۶۲ در حین آزادسازی پادگان حاج عمران بر اثر اصابت ترکش خمپاره دشمن بعثی به هدف و آرزوی دیرینه خویش که همانا شهادت در راه خدا بود رسید.

## وصیت نامه

همواره پیرو ولایت فقیه باشید. شهید محمد مهدی یزدان پناه

این جانب محمد مهدی یزدان پناه وصیت خود را با شهادت به یکتائی خداوند و شهادت به رسالت حضرت محمد(ص) شروع می کنم و پیامم به ملت ایران این است که از هر گونه تفرقه و اختلاف پرهیزند، زیرا تنها عاملی که دشمن می تواند از آن به نفع خود سود ببرد همین عامل تفرقه و اختلاف است. و سعی کنید در خط روحانیت متعهد و مسئول حرکت کنید و همواره پیرو ولایت فقیه باشید. شما ای پدر و مادرم زحمت های بسیاری برای من کشیدید و متحمل رنج های زیادی شدید، از این که نتوانستم ذره ای از آن زحمات را جبران کنم معذرت می خواهم و از شما می خواهم که مرا ببخشید و در پایان از برادران و خوهرازم و تمامی اقوام و خویشان می خواهم که مرا ببخشند.

والسلام

محمد مهدی یزدان پناه

## خاطرات

زمزمه والدین شهید:

فرزندم در دوران کودکی در کلاس های قرآن شرکت می کرد و نسبت به یادگیری به مسائل دینی علاقه زیادی از خود نشان می داد. به مادر و خواهرش بسیار علاقمند بود و نسبت به فرزندان دیگرمان بیشتر فعالیت و جنب و جوش داشت. با ورود به مدرسه علاقه به درس و مدرسه در وی پدیدار گردید. به گونه ای که بعد از آمدن به منزل قبل از انجام هر کاری تکالیف درسیش را انجام می داد. او با همین امکانات کمی که داشتیم سعی می کرد تحصیلات خود را ادامه دهد. محمد مهدی در انجام هر کاری با ما مشورت می کرد. احترام زیادی برای ما قائل بود. رفتارش با دیگر فرزندانمان بسیار خوب بود و با همه آنها دوست بود.

در سال اول تحصیل در مرکز تربیت معلم بود که فضای جبهه و جنگ او را به سوی خود کشاند. درک بالا، حس انسان دوستی و تعصب خاصی نسبت به کشور و ملت ایران داشت که این امر روح او را متحول کرده بود.

آغاز دوره دبیرستان محمد مهدی همزمان با اوج گیری نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) بود او از طریق خواندن اعلامیه ها و گوش دادن به نوارهای سخنرانی امام با افکار و عقاید ایشان آشنا گردید. وی امام را فرشته نجاتی برای ملت ایران می دانست. عاشق امام و ولایت فقیه بود و در وصیت نامه خود نیز این نکته را گوشزد کرده بود که: « سعی کنید همیشه در خط روحانیت متعهد و مسئول حرکت کنید و همواره پیرو ولایت فقیه باشید او روحانیت را تکیه گاه محکمی برای ملت ایران می دانست.

محمد مهدی یکی از مخالفین گروه های ضد انقلاب بود و نهایت تلاش خود را در سرکوبی آنها به کار می گرفت. وی قبل از انقلاب به همراه دیگر برادران خود در راهپیمایی ها و سخنرانی هایی که در روستا تشکیل می شد شرکت می نمود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به عنوان عضو فعال بسیج در خدمت مردم شهید پرور بود.

او همیشه معتقد بود که قطره قطره خونس متعلق به انقلاب اسلامی و مردم عزیز ایران است. لذا در مدت دفاع مقدس تا زمان شهادت از هیچ کوششی فروگذار نکرد. همیشه و در همه حال الگوی نمونه ای برای خانواده خود بود. با حرف و عملش همه را مجذوب خود کرده بود. انسانی به تمام معنا بود و از محسنات اخلاقی وی می توان شجاعت، شهامت، صداقت و امانت داری و کمک به دیگران را نام برد.

محمد مهدی با کلام خدا انس و الفتی دیگر داشت. تلاوت قرآن به او آرامشی خاص می داد. مردم او را خیلی دوست داشتند و به او احترام می گذاشتند.

در تعامل با دوستان شهیدش حالتی عرفانی در وی به وجود می آمد. او شهید را پرنده ای سبکبال و پروازش را لطف و گرم خدا می دانست.

به شغل معلمی بسیار علاقه داشت و معتقد بود که انسان تا آخرین لحظات عمر خود باید به دنبال علم و دانش باشد.

برادر از یار گمشده اش می گوید:

محمد مهدی از محسنات اخلاقی زیادی بهره مند بود. او روحیه ای به پاکی آسمان داشته متین و خنده رو و مهربان و دوست داشتنی بود و با اخلاق خوب خود همه خانواده را شیفته خود کرده بود.

از همان دوران کودکی عشق به هم نوعان خود را آموخته بود. با شروع جنگ تحمیلی و شهادت یکی از دوستانش به نام شهید علی دهداد تغییر و تحولی خاص در او به وجود آمده بود.

به پدر و مادرمان خود بسیار احترام می گذاشته هیچ گاه با تندی با آنها صحبت نمی کرد و هیچ گاه محبت خود را از آنها دریغ نمی نمود. همیشه از ما می خواست که خدا را به یاد داشته باشیم و پیرو ولی فقیه باشیم و احترام به پدر و مادر را فراموش نکنیم و به یاری فقیران و تهیدستان بشتابیم.

محمد مهدی بسیار متواضع و فروتن بود. حجب و حیایی خاص داشت و امانت داری باتقوی بود. حرف و عملش توأم با صداقت و صفا و صمیمیت بود. در برابر مشکلات زندگی مقاوم بود. به خاطر همین خصلت های پسندیده ای که داشت در بین مردم محبوب بود. او با همه به خصوص با دوستانش مهربان بود و همیشه به ما توصیه می کرد که برای دوستان خود سنگ صبور باشید و دوستانی انتخاب کنید که در سختی ها بتوانید همگام با هم به پیش روید.

برادرم همیشه حق دیگران را در اولویت قرار می داد و هیچ گاه حق کسی را پایمال نمی کرد. از کمترین زمانی که به دست می آورد نهایت استفاده را برای راز و نیاز با خدا می کرد. واجبات را با نهایت دقت انجام می داد و با جدیت تمام از محرّمات دوری می کرد. بطوری که اگر در مجلسی غیبت می شد بعد از تذکر بحث را عوض می کرد. ارادت او به ائمه اطهار به گونه ای بود که با هر نشست و برخاستی از علی (ع) مدد می جست.

محمد مهدی پیروی از ولایت را یکی از مهمترین وظایف ملت ایران می دانست. او امام را رهبری فقیه و برجسته و تنها پشتیبان ملت مظلوم ایران می دانست. بزرگ ترین آرزویش ایمان راسخ و استوار و شهادت بود. همیشه شهادت را افتخار و شهید را شافع روح خود می دانست و در هنگام وداع با همرزمان شهیدش آرزو می کرد که ای کاش اولین نفری باشد که به آنها بپیوندد. برای خانواده شهدا احترام خاصی قائل بود و همه روزه به آنها سر می زد و از آنها دلجویی می کرد.

محمد مهدی تحصیلات خود را در بوشهر ادامه داد. دانشجوی سال دوم تربیت معلم بود که عشق به جبهه و جنگ را جایگزین مدرسه و درس نمود و اسلحه را به جای قلم در دست گرفت و از سنگر علم به سوی جبهه شهادت شتافت. وی علاوه بر کتب درسی کتاب های مذهبی زیادی را نیز مطالعه می کرد.

بیشتر اوقات فراغت خود را در مساجد و پایگاه های بسیج و جلسات مذهبی می گذراند. او شرکت در جبهه را افتخار می دانست و بر این اعتقاد بود که شرکت در جنگ ضربه محکی به استکبار جهانی و آمریکای جنایت کار وارد خواهد کرد. برای همین منظور در سن ۱۹ سالگی از طریق بسیج قدم به جبهه عشق و ایثار گذاشت. عامل اصلی تشویق و تحریک او عشق و ایمان خالص و بی ریایش به خالق هستی بود. او مانند پرنده ای سبکبال در و دیوار قفس را شکست و شاد و خندان بر مرکب سرخ شهادت سوار شد.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران